

تحلیل
حبيب درفولى



گفتاری از شهید گفتمان انقلاب، حجت‌الاسلام والمسلمین تقوی

تحقق «امت‌دولت‌ساز» نیاز امروز انقلاب اسلامی

شهید حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی تقوی، از مبارزان فیزیکی و فکری جبهه حق علیه باطل است. ایشان که در طول دوران دفاع مقدس، در عملیات‌های مختلف شرکت کرد و در عملیات کربلای ۵ به درجه جانبازی نائل شد، بعد از اتمام جنگ به فعالیت‌های علمی، تحقیقاتی و تبلیغی در حوزه علمیه قم در کسوت روحانیت مشغول شد. در طول سالیان وی در جایگاه‌های نظیر کسوت نمایندگی نهاد رهبری در امور دانشگاه‌های امام حسین (ع) و دانشگاه هنر مشغول کار بوده‌اند و مدتی نیز ریاست خبرگزاری ایکنسا و مدیر عامل سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشجویان سراسر کشور را به عهده داشتند. سپس در سمت معاون فرهنگی و مشاوران بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی به ترویج و آموزش گفتمان انقلاب اسلامی پرداخت. در نهایت سال گذشته ایشان کسوت انجام وظیفه به عنوان کارشناس فرهنگی، در جلسه‌ای که در مجلس شورای اسلامی به بررسی مسائل فرهنگی از جمله مسائل زنان و بررسی سند ۲۰۳۰ اختصاص داشت، به فعالیت‌های فرهنگی و اندیشه‌های فیض عظیم شهادت نائل شد. آنچه در ادامه خواهید خواند، گفتاری از شهید سیدمهدی تقوی پیرامون نهضت انتظار و فرآیند تحقق اهداف انقلاب اسلامی است که به مناسبت نزدیکی به روزهای وقوع حادثه تروریستی مجلس و شهادت ایشان منتشر می‌شود.

■ تربیت جمعی، هدف اساسی تشکیل حکومت اسلامی

یک پرسشی اساسی پیرامون حکومت اسلامی آن است که اصلاً چرا اسلام باید تشکیل حکومت دهد؟ مگر هدف خلقت تکامل و تربیت انسان نیست؟ مگر قرب الهی هدف آفرینش و ارسال رسل نیست؟ مگر معظم انقلاب در کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن به این سؤال پاسخ می‌دهد. ایشان معتقدند انبیا به دنبال هدف نهایی خلقت - که تکامل و قرب الهی است - بودند؛ اما مسئله این جاست که گاهی شما آدم‌ها را یکی یکی جمع می‌کنید و یک دوره خودسازی و خلوتی و انسی بر گزار می‌کنید تا تربیت بشوند؛ این یک مدل است. اگر انبیا در این مسیر حرکت می‌کردند، کسی با آنها کاری نداشت اما مدل دیگر این است که شما یک دولت الهی و جامعه الهی تشکیل دهید که در عرصه وسیع بتواند به‌طور طبیعی همه انسان‌ها را در یک محیطی سالم تربیت کند و همه آنها را به سمت خدا حرکت دهد. رهبر انقلاب این را تعبیر می‌کنند به کارخانه آدم‌سازی: «انبیا آمدند تا کارخانه آدم‌سازی راه بیندازند.» همه انبیا رسالت‌شان این بود که ببینند دولت اسلامی و جامعه اسلامی را راه‌اندازی کنند تا همه با هم به سمت خدا حرکت کنند. اما شرط تشکیل و تأسیس جامعه اسلامی، تشکیل دولت اسلامی است. باید اول حاکم اسلامی شود تا جامعه اسلامی شود و مردم به سمت کمال حرکت کنند. انبیا مدل دوم را دنبال می‌کردند، نه مدل اول را که آدم‌ها تک‌تک ببینند هدایت شوند.

■ مدل کارسازی انبیا

البته انبیا در مقطع اول رسالت‌شان، برای این که عده‌ای از یاران پیرامونی‌شان را تربیت کنند و در مسیر رسالت از آنها بهره‌برداری کنند، مخفیانه و به‌حوه ویژه تربیت می‌کردند؛ به اصطلاح امروز، کادرسازی می‌کردند اما این کار مخفی و فردی و کادرسازی، در راستای آن رسالت اصلی و مهم دولت‌سازی برای جامعه‌سازی بوده است. برای این بوده است که بتوانند یک جریان فراگیری را راه بیندازند. پس با این نگاه، تمام انبیا در طول تاریخ به دنبال تشکیل حکومت فراگیر و پایدار برای جبهه حق بوده‌اند تا در ذیل آن بشریت به سمت کمال حرکت کند. بعضی از انبیا مثل حضرت ادریس و یوسف و جناب داوود و سلیمان و پیامبر عظیم‌الشان ما توانستند حکومت تشکیل دهند اما این بدان معنا

نیست که بقیه پیامبران برای تشکیل حکومت کاری نکرده‌اند؛ آنها مقدمات و زمینه‌سازی‌های مختلفی برای تشکیل حکومت، ولو در زمان دیگر و به‌دست نبی دیگر را در رسالت‌شان دنبال می‌کردند. این حرکت، حرکتی است که از ابتدای خلقت شروع شده است. انقلاب اسلامی هم ادامه همین نهضت انبیاست؛ انقلاب اسلامی پاسخ به ندای انبیاست. این معنای فرمایش رهبر معظم انقلاب است. ریشه انقلاب را باید در این جریان عمیق و مستمر تاریخی دنبال کرد. این نگاه است که ما را به مبانی بنیادین انقلاب اسلامی و نگاه عمیق به مبانی نظری انقلاب اسلامی می‌رساند و ما را به شناخت عمیق مبانی نظری انقلاب تجهیز می‌کند. جریان انقلاب اسلامی انقلاب خودامام زمان است؛ امام عصر (عج) که در زمان غیبت بی‌کار نیستند؛ بلکه همان خط توحیدی که از انبیا آغاز شده را ایشان مدیریت می‌کنند. امام زمان برای رسیدن به آن قله مستمر با بعدی را تربیت کنند باید بداند که تکریم انسان جزو مبانی ماست. شروع کار باید با تکریم انسان باشد. انسان دار در این عالم دارای شرافت ذاتی است؛ جایگاه ویژه‌ای دارد. عنصر سوم، توجه به تداوم حیات بعد از مرگ و بحث «معاد» است. مبانی چهارم، «استعداد بی‌پایان انسان» برای تعالی و تکامل است. بعضی از این مبانی چیزهایی هستند که ما به آنها معمولاً توجه نداریم. اینها یک استعداد بی‌انتهادار؛ چون خدا بی‌انتهاست؛ رشد انسان هم بی‌انتهاست. ما برای یک سیر بی‌نهایت آفریده شده‌ایم؛ ما در آن مسیر هستیم. مسئله پنجم در مبانی و بنیان‌های فکری اسلام، باور به «حرکت و جریان عالم به‌سمت حاکمیت حق و صلاح» است. عالم دارد به‌سمت غلبه حق بر باطل حرکت می‌کند. از آن موقعی که این حرکت شروع شده، فراز و فرودهایی در کار بوده است، اما روند کلی، همیشه به‌سمت غلبه حق بر باطل است. این‌ها مبانی ماست.

در کنار طرح پنج مبنای اصلی تفکر انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، پنج وظیفه را نیز مطرح می‌کنند که باید تحقق یابند. این پنج وظیفه در یک سیر منطقی قابل تحقق هستند. این سیر منطقی همان فرآیند تحقق اهداف اسلامی است و تا یکی از مراحل اتفاق نیفتد و محقق نشود، مرحله بالاتر امکان تحقق ندارد. تسریع در امر ظهور هم بر مبانی این نقشه راه قابل تأمل است.

اول مرحله از فرآیند تحقق اهداف اسلامی، مرحله «انقلاب اسلامی» است؛ این مرحله در سال ۵۷ محقق شد. مرحله بعد «نظام اسلامی» است؛ این مرحله در سال ۵۸ یا تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی محقق شد. مرحله بعد «دولت اسلامی» است که ما الان در این مرحله هستیم؛ ایشان تصریح می‌کنند که هنوز محقق نشده است؛ ما در مرحله دولت اسلامی گیر کرده‌ایم. بعد از این که دولت اسلامی شد، «کشور اسلامی» می‌شود. بعد هم مرحله آخر یا تشکیل تمدن نوین اسلامی، ما الان باید



درد

منظور از امت، همه ملت نیستند؛ امت کسانی هستند که چسبیده به ولی هستند. سلمان‌ها، ابوذر‌ها، عمار‌ها. این‌هایی که پیای ولایت ایستاده‌اند. یک امت، انقلاب‌ساز بودند؛ یک امت، نظام‌ساز بودند اما هنوز امت دولت‌ساز گرد هم نیامده‌اند

همه تمرکزمان روی کدام قسمت باشد؟ طبیعتاً دولت اسلامی. در حالی که بسیاری از ظرفیت‌های فرهنگی و سیاسی و اقتصادی کشور در عرصه‌های دیگر هزینه می‌شود ولی آقا می‌گویند تا دولت اسلامی نشود کشور اسلامی نمی‌شود. به این ترتیب، خیلی از فعالیت‌های فرهنگی ما زیر سؤال می‌رود. یعنی اصلاً مسیر را غلط رفته‌ایم.

■ امت دولت‌ساز، نیاز امروز انقلاب

شاید فکر کنیم که یک تعارضی وجود دارد. از یک طرف می‌گوییم تا دولت اسلامی نشود، مردم اسلامی نمی‌شوند. اما دولت را چه کسی باید اسلامی کند؟ غیر از مردم؟! این‌جاست که پای ولایت ایستاده‌اند. مفتوح می‌شود. این کار زمین مانده انقلاب است. خواص اهل حق. اگر خواص اهل حق وسط میدان بیایند، کم کم مردم هم پای کار خواهند آمد. ما از این خواص تحت عنوان «امت دولت‌ساز» یاد می‌کنیم. ما یک امتی داشتیم که انقلاب را به پیروزی رساند. طبیعتاً منظور از امت، همه ملت نیستند؛ امت کسانی هستند که چسبیده به ولی جامعه هستند. سلمان‌ها، ابوذر‌ها، عمار‌ها. این‌هایی که پای ولایت ایستاده‌اند. یک امت، انقلاب‌ساز بودند؛ یک امت، نظام‌ساز بودند؛ اما هنوز امت دولت‌ساز گرد هم نیامده‌اند. خواص اهل حق که برای دولت‌ساز تلاش کنند، هنوز گم هستند. این همان باری است که بر دوش ماست که سنگینی می‌کند و برای برداشتن این بار، آقا می‌گویند دوباره انقلاب را بشناسید؛ خودتان را تربیت کنید برای برداشتن این بار. این‌جا عرصه جهاد و شهادتی است که بزرگ‌تر از ارزشمندتر از دفاع مقدس است. در دفاع مقدس چند نفر جبهه رفتند؟ تقریباً یک میلیون نفر برای جنگ در صحنه بودند. جهاد دیگر باید امروز بشود، جنسش از جنس تشکیل دولت اسلامی است. حالا این که شاخص‌های امت دولت‌ساز چیست؟ وظایفش چیست؟ این‌ها را ما طی پژوهشی از دل فرمایشات آقا استخراج کرده‌ایم. ما امروز باید در عرصه‌های گسترده و پهناور این مبارزه که سخت‌از مبارزات اول انقلاب و دفاع مقدس است، درگیر باشیم. وظیفه حوزه‌های ما و علمای ما و اساتید دانشگاه ما در این میان سخت‌تر از بقیه است. همه باید برای کمک به رهبر معظم انقلاب، تلاش جهادی بکنند و نتایجی که به‌دست می‌آورند را به ایشان عرضه کنند. این بهترین راه امداد و نصرت ولی است. تلاش عقیدتی بکنند؛ به‌سمع ولی هم برسانند. قطعاً آن جایی که بتوان از آنها استفاده کرد، ایشان استفاده می‌کنند. اگر لازم بود، اصلاح و تکمیل می‌کنند. راه درست این است که همه خبر باشیم. او بشویم؛ چون ایشان خیر خواه ماست. در عرصه اداره کشور باید از ایجاد اختلال و بی‌نظمی اجتناب کرد.

اولین گام هم برای ورود به عرصه امت‌سازی برای دولت‌سازی، ایجاد یک تحول معنوی است. کاری شبيه کار امام رضاع) در عصر اختناق هارونی. یک کار عمیق معنوی و یک کار بزرگ اعتقادی. این را باید از خودمان شروع کنیم. حقیقتش این است که ما عقیبم. ما به قدر اقتضای نظام اسلامی در تربیت اسلامی پیش نرفته‌ایم. آن چه که ما بیش‌تر از همه مقولات و عرصه‌ها باید در آن پیشرفت می‌کردیم و نکردیم، همین عرصه معنویات و خودسازی و دل‌را آراستن به اخلاق و زیور دادن به مکارم اخلاقی است. در این نظام، مخصوصاً آنهایی که امت دولت‌ساز هستند، کارشان سنگین است. اگر بخواهید یک نمونه برای آن چه که شایسته ماست پیدا کنیم، نگاه کنید به دوران دفاع مقدس. الگو آن جاست. آنها چطور خودسازی کردند؟ تازه آن در مرحله اوایل دولت اسلامی بوده است. الان که دولت اسلامی به‌جای حساس‌تر رسیده است، خودسازی‌های سخت‌تر و جدی‌تری را می‌طلبد. آن‌جا جهاد اصغر بوده؛ الان ما در جهاد اکبریم. جنگ ما در این عرصه بسیار جدی است. خداوند ان‌شاءالله همه ما را از سربازان واقعی انقلاب اسلامی و در زمره امت دولت‌ساز قرار دهد.

صراف

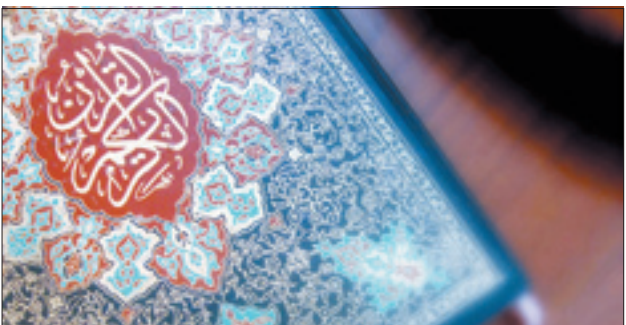
انقلاب تار سیدن به مرحله تمدن دارای سیوروت است



پیروزی بر رژیم طاغوت مرحله اول انقلاب بود. بعد در مرحله دوم، این نظام باید ارزش‌ها را محقق کند؛ این ارزش‌ها و آرمان‌هایی که حالا اشاره می‌کنم و بعضی را می‌گوییم، باید در جامعه تحقق ببخشند. این ارزش‌ها اگر بخواهد تحقق ببخشند، یک دستگاه مدیریتی لازم دارد که آن می‌شود دولت انقلابی. بنابراین مرحله بعد از نظام انقلابی، ایجاد دولت انقلابی است، دولتی که از کان آن، انقلاب را از بن دندان باور کرده باشند و دنبال انقلاب باشند. بعد که این دولت انقلابی تشکیل شد، آن وقت باید به‌وسیله اجرائیات درست -قانون درست، اجرای درست- این آرمان‌ها و ارزش‌هایی که مطرح شده، این آرزوهای بزرگ انقلابی، یکی یکی در جامعه تحقق پیدا کنند؛ آن وقت نتیجه می‌شود جامعه انقلابی؛ یک جامعه انقلابی به وجود می‌آید که این مرحله چهارم است. بعد که جامعه انقلابی درست شد، آن وقت زمینه برای ایجاد تمدن انقلابی و اسلامی به وجود می‌آید. حالا من تعبیر به «انقلابی» کردم؛ به جای کلمه «انقلابی» می‌توانید کلمه «اسلامی» بگذارید یعنی دولت اسلامی، جامعه اسلامی، تمدن اسلامی؛ این مراحلی است که وجود دارد. بنابراین انقلاب استمرار دارد، انقلاب ادامه دارد، انقلاب متوقف نمی‌شود. یک صورتی وجود دارد؛ سیوروت یعنی شدن، شدن دائم، تحول دائمی؛ در مسیر انقلاب یک سیوروت دائمی‌ای وجود دارد که این سیوروت دائمی، به‌تدریج آن آرزوهای بزرگ را، آن ارزش‌های والا، آن آرمان‌ها را در جامعه تحقق می‌بخشد.

بیانات رهبر انقلاب در دیدار دانشجویان ۹۷/۳/۷

درنگ



ضرورت توجه به کاربردی‌سازی علوم قرآنی

علم نافع، علم عملیاتی است

از این کار چیست که فرد آموزش‌دهنده گفت به این هدف که ازدها بگیرند و باین پریش مواجه‌شد که آخر امروز دیگر ازدهایی وجود ندارد و پاسخ شنیده‌شد که هدف من این است که شاگردان من به شاگردانی دیگر تبدیل شوند و این علم را به دیگران بیاموزند. ولی ما برای این کارها معمولاً چند نفر نیاز داریم؟ شاید ۲۰ نفر، بقیه افرادی که باید ببینند در این رشته کار کنند، قرآن نیست کار نظری انجام دهند. تربیت دانشجویان برای حوزه‌های قرآن و حدیث وقتی معنادار است که بدین‌هم به غیر از بسط نظری چه کاری می‌توان انجام داد؟ تنها راه برو رفت از موقعیتی که در آن هستیم ایجاد ظرفیت‌هایی برای این است که مطالعات قرآنی در مسیر کاربرد در علوم

نشست «کاربردی‌سازی مطالعات قرآنی» هفته گذشته با سخنرانی احمد پانچگی، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع) در نمايشگاه بين‌المللی قرآن برگزار شد. در ادامه گزیده‌ای از سخنرانی این استاد دین‌شناسی و عضو شورای عالی علمی مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی پیرامون علوم قرآنی و مسئله کاربردی‌سازی خواهد آمد.

■ توجه‌دین به علم نافع کاربردی‌سازی مطالعات قرآنی یک امر مسئله است که از مسائل جزئی‌تر دیگری تشکیل می‌شود. ما معمولاً عده‌ای از احادیث در زمینه علم نافع داریم. از جمله حدیث نبوی که بیان می‌کند علم در واقع دو علم است، علمی که در قلب است که علم نافع است و علمی در لسان، که خداوند به واسطه آن عالم را مورد مواخذه قرار خواهد داد که چرا به آن عمل نکردی. در این روایت در خصوص علم نافع مراد خود علم نیست بلکه مراد نحوه برخورد عالم با علم است. این که علم تلقفه زبان و تأثیر محتوایی در زندگی ندارد. در حدیث نبوی دیگری که در برخی منابع شیعی نقل شده، علم عبارت است از علم‌آیدان و علم‌آیدان که به دنبال آن است که برخی از علوم به‌بخت دین می‌پردازند و برخی از علوم به مسائل جاری در زندگی انسان می‌پردازند. گویند این سخن می‌خواهد نیاز ما را به دو علم که ارزش کاربردی و اخروی دارند، جلب کند. عبدالله بن مرفع متفکر قرن دوم و به نوعی یکی از امداران اندیشه خسروانی نیز سخن جایی دارد. او در کتاب الادب‌الکبیر می‌گوید که علم دو گونه است کاربردی و نظری. منطلق‌هایی مانند علم الشریعه، علم التوحید، علم القرآن و امثال اینها که در متون ما آمده است از باب جری و تطبیق است و نه تحدید نافع بودن علم.

■ قرآنی‌ها گوناگون از کاربردی‌سازی علوم اگر هنوز در فضای آکادمی هستیم، می‌توانیم در کمی‌نگشیمان تا حوزه مطالعات قرآنی بتواند خدماتی به علوم دیگر برساند. ما شاهد به‌وجود آمدن رشته‌هایی در سال‌های اخیر مانند رشته اعجاز قرآن هستیم که به دنبال این است که پلی بین مطالعات قرآنی با رشته‌های دیگری مانند جنین‌شناسی، علوم شناختی، علوم رایانه و... بزند و ارتباطی بین علوم قرآنی و این علوم به وجود بیاورد تا حداقل با این رویکرد علم قرآنی در بیرون از خود کاربرد داشته باشد. اما این رویکرد کافی نیست و مگر چقدر قرار است ما روی اثبات معجزه بودن قرآن سرمایه‌گذاری کنیم. چند درصد از مسائل ما محل اعجاز قرآن برای کفزار است؟

را حل دیگر رویکرد به علوم انسانی قرآن بنیان بودن است، اینکه حوزه‌های مختلف علوم انسانی را با علوم قرآنی پیوند بزنیم که این‌ها بتوانند از طریق مطالعات قرآن تغذیه شوند و نهایتاً ما به علوم انسانی قرآن بنیان دست یابیم، اما این نمی‌تواند برون‌رفت مسئله کاربردی‌سازی مطالعات قرآنی باشد. اگر به صورت ناگهانی این کار صورت بگیرد و ما مسائل این علوم را گام به گام پیش نبریم، ممکن است به علوم انسانی ما آسیب بزند و ما با این رویکرد دیگر جامعه‌شناسی، اقتصاد و... نخواهیم داشت. این پروژه باید خیلی حساب‌شده و دقیق پیش برود و نمی‌تواند پروژه‌ای بی‌محاسبه باشد.

وی با بیان اینکه اصلی‌ترین معنای کاربردی‌سازی این است که این مطالعات مسائلی که در جامعه وجود دارد را حل کند، گفت: یعنی اگر ما بحران آب داریم، آیا مطالعات قرآنی می‌تواند مشکل را حل کند؟ ایامی‌تواند بحث جدی به غیر از طرح یک آیه مطرح کرد؟ این امر نیازمند این است که گام‌های مهمی صورت بگیرد و ظرفیت‌های مهمی به وجود بیاید که به صورت فعال و حلال وارد شده و نه اینکه گهگاه پس‌لاکاردی برای شهرداری و باسازمان آب آماده شود که منقش به یک آیه و یا یک حدیث باشد. نمی‌توان با این حدیث پرسیدند تو چه درس می‌دهی؟ فرد پاسخ داد من ازدهاگیری درس می‌دهم، پرسش‌شد که هدف تو

■ آموختن برای نفس علم، مثل آموزش ازدهاگیری است اما در حوزه مطالعات قرآنی ما یک انتقاد اساسی وجود دارد؛ یکی از مشکلات ما در مطالعات قرآنی و در آموزش‌های دانشگاهی در این حوزه آن است که هدف ما نفس علم است و این مهم‌ترین سد هر نوع کاربردی‌سازی است. ذکر مثال آموزش ازدها در این جا راهگشاست، از فردی که آموزش ازدها می‌داد پرسیدند تو چه درس می‌دهی؟ فرد پاسخ داد من ازدهاگیری درس می‌دهم، پرسش‌شد که هدف تو